**( 207 )**

**مشهد - اعضاء محفل روحانی علیهم بهاء الله الابهی**

**هو الله**

ای یاران با وفای من نامه‌ئی که مرقوم نموده بودید ملاحظه شد از معانی سرور جاودانی حاصل گشت زیرا دلیل بر آن بود که در خراسان اندکی مشکلات آسان شده دوباره دریا جوش زده و خروش نهنگ ملأ اعلی یافته پیش از صعود آن اقلیم تفوق بر سایر اقالیم داشت ندا بلند بود روز بروز روشنتر میگشت این بود که پیش از صعود امر فرمودند که تحیات مبارکه و پیام رحمانیرا بآن سامان برسانم آن مکتوب مفصل مرقوم شد ولکن بسببی چند و شدت مهاجمه دشمنان و دست تطاول ظالمان و اذیت تام قدری سکون حاصل گردید الحمد لله حال دوباره آن اقلیم بحرکت آمده و اهتزاز جدیدی حاصل شده و این سبب شدت سرور مشتاقان گردیده نامه را بنهایت روح و ریحان تلاوت نمودم و مسرور و شادمان گشتم که این آرزوی دل و جان بود الحمد لله محافل منتظم گشته و همت اماء الرحمن نیز منضم شده و در این ایام قوای معاندین فتور یافته و جناب آقا میرزا منیر بآن سمت شتافته و با لسانی بلیغ و بیانی فصیح تشویق یاران نموده و بهدایت دیگران پرداخته و اغنام پراکنده را اجتماع داده و طیور افسرده بنغمه و آواز آمده و گلشن بشهناز آراسته گشته خاندان حضرت سمندر فی الحقیقه کل مشغول خدمتند جانفشانند فدائیند رحمانیند سبحانیند امید چنان است که من بعد روز بروز کلمة الله بلند‌تر شود و تجلیات شمس حقیقت درخشنده‌تر گردد

الهی الهی هؤلاء عباد خضع لکلمتک العلیا و خشع فی عبودیتک و رکع فی باب احدیتک و سجد لعظمتک منقطعین عن دونک منجذبین بنفحات قدسک مرتلین آیات توحیدک منشرحین الصدر بالاشعة الساطعة من افق احدیتک باذلین الروح فی سبیلک مستمرین علی ذکرک مستمدین من فیوضاتک رب ارحمهم بفضلک و احسانک و اجعلهم آیات التقدیس بین خلقک و رایات التنزیه فی بلادک رب أشدد ازورهم و قو ظهورهم علی عبودیة عتبتک العالیه و عبادتک لیلا و نهارا و الالفة مع احبائک عشیا و ابکارا انک انت الکریم انک انت العظیم انک انت الرحمن الرحیم

حیفا ١٧ ربیع الثانی ١٣٣٨

(عبدالبهاء عباس)